

# اعلامیه

در چهاردهمین روز اعتصاب باشکوه کارگران هفت تپه که با پرچم : نان ، کار ، آزادی و اداره شورایی، در میدانند ؛ شعر اعلامیه را باز پخش می کنم .

این شعر در اولین تظاهرات کارگران هفت تپه به علی نجاتی عزیز تقدیم شده بود به نوگل شکفته اش ، بخشی عزیز و زنان و مردان شجاع و حق طلب هفت تپه و شوش هم پیشکش می کنم

حسن حسام

باد آتش از جنوب سوخته می آید

همچون توفان

پیچان

پیچان

می پیچد

در گنبدِ امامِ جماران

که گفته بود:

«خدای کارگراست»

پس این خداست که می آید

از شوش و هفت تپه و دزفول

و نفرتِ تمامِ رنجبران را

در تلخیِ نگاهش دارد

پس این خداست که می آید

با دست های ترک خورده چون کویر

پُرکینه و برهنه و نانخواه

همچو شیر؟



پس این خداست که می آید  
توفنده مثلِ توفان  
خیزان،  
تا بارگاه آن خلیفه ی یک دست را  
بسوزاند

و شاه اکبر را  
بردارِ سرنوشت  
بتاباند  
وریشه ی امامِ جگر خوار  
در تند بادِ تفته  
بخشکاند ؟



پس این خداست که می آید  
از شوش و هفت تپه و دزفول  
تا مزدِ خویش  
بستاند  
و این جهانِ کهنه  
بمیراند  
پس این خداست ....  
از کتاب شعر : گوزن و صخره

